

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله والمفتی مکرمین آوان سعادت توامان رسالہ متبرکہ
مستند بہ

تنسیخ الاصفیاء حیات الانبیاء

مصنفہ

مقبول بارگاہ ایزدی مولانا مشتاق احمد صاحب بیٹوی
چشتی صابری مصنف تفصیل المنال وغیرہ حسب الارشاد
فیض بنیاد جناب مولوی عبدالسلام صاحب مفتی شملہ و جناب

پیر جمیل صاحب ایام مسجد شملہ
سلاہ
بہارِ نبویؐ و سادہ ہوا راہ سے



PE4372

بِسْمِ اللَّهِ الرَّ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على من سئل عن سيدنا محمد وعلى آله
وآله أجمعين دائما أبدا إلى يوم الدين أما بعد سرایا تصور وعلامه مشتاق
نام حسب اصرار بعض دوستان فی اعتبار در اثبات حیات جمیع انبیاء بعد از وفات لایما
اثبات حیات فضل الانبیاء سید الکائنات شرف المخلوقات علیه علیهم الف صلوات و تحیات
در قیوم جنیدی نگار و در هر چه بقدر تفحص اخبار صحیح و آثار قویة در فهم این حقا لبریه بشکون شده است آنرا
بزبان تسلیم بسیار دلس آلوده آنکه مسئله حیات انبیاء بر توفیق علیه بوده است قدیما و حدیثا مابین جمهور
از محدثین فقهاء و مجتهدان علمای دینی بن تمییز و تمییز ایشان علامه شمس الدین بن قیوم و چندی
پیر و ان ایشان که درین بیان در بلاد هندوستان پیدا شده اند کس عالم معتبر و فاضل استند
این مسئله نکرده و نه در خلافتش قلم بر گذشته خاکسار و الا احادیث ثبوت حیات نقل میکند بعد
از ان همه حدیثات و اعتراضات مخالفین با این بیخ و بن میکند بحول الله تعالی و توضیقه فاقول
در سنن ابن ماجه در باب وفاته انسب از اوس بن اوس صحابی رضی الله تعالی عنه مرویست
قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان من افضل ايامكم يوم الجمعة فيها
خلق ادم وفيه النسخة وفيه الصلوة فاكثروا على من الصلوة فيه فان
صلواتكم مغروضة علي فقال رجل يا رسول الله كيف نمرح صلاتنا عليك
وقد اكرمت يعني بليت قال ان الله حرم على الارض ان تأكل اجساد الانبياء
انتهی درین حدیث حضرت سرور انبیاء و احوال هر دو سر اصل الله علیه وسلم ارشاد میفرماید که روز جمعه
بسیار در و در بفرستید برین در آن پیدا کرده شد آدم و همدین روز فخر اولی و ثانیته خواهد
بدرستی که در و دشما پیش که در و دشو درین شخصی عرض کرد و چطور در و دمایان نزد آنحضرت

ابن ماجه صفحہ ۱۱۹

پیش کرده خواهد شد حال آنکه آنجناب بوسید یعنی خاک شده باشند حضرت بنی صلی الله علیه و سلم در
 جوارش فرمودند بدستیکه خدایتعالی بر زمین خوردن اجساد انبیاء حرام کرده است و بهرین صفت
 در سنن ابن ماجه حدیثی دیگر از ابی الدرداء صحابی رضی الله عنه نقلیه سیریه همین معنی آمده
 و در آن حدیث این قدر جمله زیاده مروی شده است **فَنَبِيٌّ اللَّهُ حَتَّى يُرْزَقَ** یعنی بنی الله
 زنده میباشد و رزق داده میشود و در حدیثی دیگر از ابی الدرداء صحابی رضی الله عنه در حدیث اول
 مابین صحابی و ابن ماجه چهار راوی واقع اندیکه ابوبکر ابن ابی شیبه دوم حسین بن علی
 سیوم عبد الرحمن بن یزید چهارم ابوالاشعث نسبت راوی دوم در تقریب کلمه صدق
 نوشته و هر سه باقی را ثقه گفته و در روایت دوم مابین ابودرداء صحابی رضی الله عنه
 و ابن ماجه ششم اسطره واقع شده اندیکه عمر بن سواد دوم عبد بن وهب سیوم عمر بن
 اسحاق این هر سه را در تقریب ثقه گفته است چهارم سعد بن ابی بلال پنجم زید بن اسیم
 ششم عباده بن نسی چهارم را صدوق پنجم را مقبول ششم را ثقه فاضل نوشته و
 در فضائل آخرین علامه جلال الدین سیوطی در کتاب شرح الصدور حدیث نذر از سنن ابی
 داود و حاکم هم باین الفاظ نقل میکنند **وَأَخْرَجَ أَبُو دَاوُدَ وَالتَّحَاكُمُ عَنْ أَوْسَ بْنِ أَوْسٍ**
قَالَ كُلُّ رَسُولٍ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَكْثَرُ وَأَمِنَ الصَّلَوةَ عَلَيَّ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ
فَأَنَّ صَلَواتَكُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَيَّ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَكَيْفَ تُعَرِّضُ صَلَواتَنَا عَلَيَّكَ
وَقَدْ أَرَمَتْ بَعْدَ بَلِيَّتٍ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَيَّ أَجْسَادَ الْأَنْبِيَاءِ وَدَر
تَرْغِيبُ تَرْهِيْبُ فقط عبد العظیم حدیث اوس بن اوس را از نسائی و ابن جبان هم خارج کرده و
 سرآمد محمد بن علامه شهاب الدین قسطلانی در سوانح لدیه از یهقی و غیره باین الفاظ روایت
 میکنند **وَقَدْ رَوَى التَّبِیْهِيُّ وَتَحْفِيزُهُ مِنْ حَدِيثِ أَنَسٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ**
قَالَ الْأَنْبِيَاءُ أَحْيَاءٌ يُصَلُّونَ فِي قُبُورِهِمْ ترجمه - روایت است از انس رضی الله عنه
 تحقیق رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود انبیاء در قبور خود زنده هستند نماز میکنند و استه
 و از شرح الصدور معلوم میشود که علاوه بر یهقی ابویعلی و ابن منده نیز حدیث نذر روایت کرده اند
 اخبار نذر و آخرجه ابویعلی و التبیهقی و ابن منده عن انس انی النبی صلی الله علیه و سلم

خارج حدیثی
 صفحه ۱۱۸

مکمل
 جلد ۱۱ ص ۱۱۸

قال لا انبياء احياء في قبورهم كي تكون - انتقل - ودر موابب حديث سبقي نقل کرده
حدیثی از صحیح مسلم آورده میگوید که شواهدی در صحیح مسلم از قول الله صلی الله علیه
وسلم مرآت بموسى وهوقا له تصلى في قبره - یعنی میفرمایند حضرت بنی صلی الله علیه
وسلم که ششم بر موشی و او در قبر خود ایستاده نماز میگذارد - انتهى - خاکسار کاتب الحروف
میگوید که صحیح مسلم در باب الاسرار حدیث دیگر منبث حیات انبیا موجود است و چنانکه بن حدیث
نقل کرده صاحب موابب بر نماز گذاردن حضرت موسی علیه السلام و الصلوة والسلام
والالت میبار و از ان حدیث مناسک جم ادا نمودن از حضرت موسی و حضرت یونس علیهم السلام
ثابت میشود و هونذا عن ابن عباس رضی الله تعالی عنهما ان رسول الله صلی الله علیه وسلم
متر برادی الارزق فقال ای واد هذا افقا لى هذا ادا دى الارزق قال کانی انظر الى
موسى هابطا من النبیة وله جوارح الى الله بالقلیة ثم اى على طهر شافعال اى ثنیة لها
قالو ثنیة طهر شافال کانی انظر الى یونس بن مائة على لاقه حمراء جعله علیه جنة من
صوبی خطام فاقنه خلقة وهو یکنی قال ابن حنبل فی حدیثه قال هیئتکم یعنی ایضا که
ترجمه - روایت است از ابن عباس رضی الله تعالی عنه بدستیک رسول الله صلی الله علیه وسلم
بر وادی الرزق گذشتند پس فرمودند این کدام وادی است صحابه عرض کردند وادی الرزق
است حضرت بنی صلی الله علیه وسلم فرمودند گویا که می بینم موسی را که فرود می آید از نشیبه خداست
البتیک میگوید پسر سید عمر بر شافرمودند این کدام ثنیله است صحابه عرض کردند ثنیله بر شاست
فرمودند گویا می بینم یونس بن ماتی را بر ناقة سرخ موی مغول سوار شده و بروی جبهه پشتم است
و مهابار ناهش از پوست خرماس تبیک میگوید انتهى - امام نووی در شرح حدیث بنی صلی الله علیه وسلم
اگر کسی گوید با وجودیکه حضرت موسی و حضرت یونس وفات یافته اند آخرت رسیده اند و آن را
عمل نیست - پس چه طوری می کنند و ثانی میگویند باز در جواب این شبهه چند جوابات
فکر میکنند یکی از ان انبیا مثل شهید بلکه از شهید افضل اند و شهید زنده هستند
پیش پروردگار خود پس بعد نیست اینکه حج کنند و نماز گذارند - چنانچه ذکر در حدیث دیگر
شده است و تقریب جویند بر قدر که توانستند زیرا که هر چند الی ان و نظایر وفات یافته اند

صحیح مسلم صفحه ۹۰

گمرايشان در بين دنيا و نده هستند که در عمل است و وقتيکه دنيا فاکر و دواخت که در جبر
 است در پس و س آید عمل هم منقطع خواهد شد - عبارت امام بلفظه اينست - قَائِلٌ قَبْلَ كَيْفَ
 يُجْحَوْنَ وَيَكْلَبُونَ وَهُمْ فِي الدَّارِ الْآخِرَةِ وَكَيْسٌ كَذَلِكَ قَائِلٌ أَنْ لَيْسَ شَيْخٌ
 وَفِيمَا ظَهَرَ لَنَا عَنْ طَبَقِ الْجَوَابَةِ أَحَدَ هَآ أَتَاهُمْ كَأَنَّهُمْ كَانُوا كَالشَّهَدَاءِ بَلْ أَهْضَلُ مِنْهُمْ وَالشَّهَدَاءُ
 أَجْمَعُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ فَلَا يَبْعُدُ أَنْ يُجْحَوْا وَيَكْلَبُوا كَمَا وَرَدَ فِي مُحَدِّثِ الْآخِرَةِ وَأَنْ
 يَتَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِمَا اسْتَطَاعُوا لَا يَنْفَعُهُمْ وَإِنْ كَانُوا أَقْدَرُ ثَوَقُوا قَوْمَهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَيْسَ
 هِيَ كَأَمْرٍ لَعَلَّ حَتَّى إِذَا قُنِيَ مَدَّةَ تَعْمَلُهَا الْآخِرَةُ الَّتِي هِيَ حَامِلُ الْجَزَاءِ انْقَطَعَ أَعْمَالُ النَّبِيِّ
 وَوَرَشَكُوهُ إِذَا بِي هَرِيرُهُ مَرُورِي سَمَاعٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى
 عَلَى عِنْدَ قَبْرِ نَبِيِّ تَبِعْتُهُ وَبَعَثْتُ عَلَى نَبِيٍّ أَنْ يُلَاقِيَهُ بِرَأَاهُ الْيَهُودِيُّ فِي شُعْبِ الْأَنْبِيَاءِ
 فَرَوَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سِيكِهِ وَوَرَوَاهُ بَرْنِ نَزْدِ قَوْمٍ مِ شَنْوَمِ أَنْزَاوَكِيكِهِ
 اَزْدِ وَفَرَسْتَاوَرَسَانِدِهِ مِشْوَمِ آن رَا - وَوَرَوَاهُ بِرَوَايَتِ سَلِيمَانَ بْنِ جَحِيمٍ اَزْ شَفَا
 قَاضِي حِيَاضِ نَقْلِ سَلِيمٍ - كَقَتِ سَلِيمَانُ شَرَفَ شَدَمِ بِرَوَايَتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَرَوَاهُ - عَرَضَ نَمُودَمِ مَرَدَانِيكِهِ مِشْوَمِ آن حَضُورِ حَافَرِ شَدَمِ سَلَامِ مِ كُنْدِ
 اَخْتِابِ سَلَامِ اَبْنَانِ مِ شَنْوَمِ؟ فَرَوَى دَلَمِ مِ شَنْوَمِ وَجَوَابِ مِ شَدَمِ عِبَارَتِهِ بَكَذَا
 وَعَنْ سَلِيمَانَ بْنِ سَحِيحٍ مَا ذَكَرَهُ الْقَاضِي حِيَاضُ فِي الشِّفَاءِ - قَالَ رَأَيْتُ النَّبِيَّ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي النَّوْمِ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ هُوَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يَا تَوَكَّلْتُ قِيَسَتُكَ
 عَلَيْكَ الْفَقْهُ سَلَامُهُمْ قَالَ لَعَمْرُؤُا عَلَيْهِمْ - اِنْتَهَى - وَوَرَوَاهُ سَلَامَةُ السَّهَادَةِ
 فَصَلِّ اِلَى مَشْكُوهُ اَزْ عَمَارِ بْنِ يَاسِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَابْنِ سَلِيمٍ - قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا عَمَّارُ إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَلَكًا أَعْطَاهُ اللَّهُ السَّمْعَ اِخْرَاقَ كُلِّهَا
 وَهَوَّ قَائِمٌ عَلَى قَبْرِ نَبِيِّ إِذَا مَاتَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَيْسَ أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِي لِيُصَلِّيَ عَلَى
 صَلَوةٍ إِلَّا سَمِعَهُ يَأْتِيهِمْ وَيَأْتِيهِمْ أَيْدِيَهُمْ قَالَ صَلَّى عَلَيْكَ فَلَا تَنَافَلْنَا أَفِيصَلِّيَ الرَّبُّ عَلَى
 ذَٰلِكَ الرَّجُلِ وَبَعَثَ رَجُلًا عَشْرًا أَسْرَافًا اَللَّهِ قَطْمِي - تَرْجِمَ - كَقَتِ عَمَارِ بْنِ يَاسِرٍ
 كَرَفَرِ مَرْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَسْ عَمَارِ اَزْ جَانِبِ خَدِّ تَعَالَى بِكَيْسِ فَرَشْتَةِ اَبْنِ بَرْقِزِ

ایستاده خدایتعالی ویرایشنوائے خلایق مقرر کرده است از وقت وفات من تا روز قیامت
 پس سیکر از امت من در دوسه فرستد بر من نام فرسند و نام پدرش میرد و میگوید فلان
 ابن فلان بر شما درود فرستاده است پس خدایتعالی عوض هر درود بر آنکس ده درود یعنی ده بار
 رحمت نازل می فرماید انتهی - و در مشکوٰۃ بحواله ابوداؤد و بیہقی از ابیہریرہ روایت میکند
 قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ أَحَدٍ يُسَلِّمُ عَلَى رَجُلٍ إِلَّا رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ رُوحِي
 حَتَّىٰ أَرُدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ - ترجمہ نیست هیچ یکے از امت من کہ سلام میفرستد بر من مگر خدایتعالی
 روح مرا باز میفرستد جواب سلامش سید ہم اگر کسی را ازین حدیث و ہم پیدا شود کہ روح
 میخوابد بفارقت جسم را و این خلاف حیات است درازا لہ این شبہ علامہ جلال الدین سیوطی رحمہ اللہ
 درین باب رسالت نقل فرستہ پازدہ جواب تحریر کردہ و ادب مجروحہ و ادب منجمہ آن اجوبہ و جواب
 را بلفظ نقل کردہ فی مے و انم در جواب رابع گفتہ لکین المراد بِرَدِّ الرُّوحِ عَوْدُهَا بَعْدَ
 الْمَعَارَفَةِ لِلْبَدَنِ وَ إِنَّمَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْمَرْزُومِ مَشْغُولٌ بِأَحْوَالِ
 الْمَلَائِكَةِ مُسْتَعْرِفٌ فِي مُشَاهَدَةِ دَرَجَاتِهِ كَمَا كَانَ فِي الدُّنْيَا فِي حَالِهِ الْوَحْدِي وَ فِي
 أَوَقَاتٍ أُخْرَى فَعَبَّرَ عَنْ إِقَابَتِهِ مِنْ تِلْكَ الْمُشَاهَدَةِ وَ ذَلِكَ لِأَسْتِغْرَاقِ بِرَدِّ الرُّوحِ
 ترجمہ - مراد از روح اینست کہ بعد مفارقت جسم باز عود میکند بلکہ مراد اینست کہ حضرت رسول اللہ
 صلی اللہ علیہ وسلم در عالم برزخ در شاہدہ تجلیات رب الکائنات مشغول غافقہ از انحالت
 را بر روح تعبیر فرمود الوجہ الخامس ان یقال ان الرد لا یستلزم الاستغراق لان الزمان
 لا یخاطب عن مصل علیہ فی افطار الارض فلا یحاطب من کون الرُّوح فی بدنہ - ترجمہ
 وجہ خامس اینکہ روح استمرار را میخواہد زیرا کہ ہم زمانے خالی نیست کہ در اطراف زمین رود
 خوانندہ نباشد و علامہ ابوالقاسم صہبانی در غیب تریب خود مؤید معنی نہار وایتہ دیگر
 از حضرت انس رضی اللہ عنہ آورده است حیث قال عن انس قال قال رسول الله صلى الله عليه
 وسلم من صلى على ميت في يوم الجمعة وليكف الجمة فقصي الله له ما شاء حاجته
 سبعين من خواصه الاخرة وثلثين من خواصه الدنيا وكل الله بذلك ملكا يدخل
 على قبري كما يدخل عليكم يا هذا يا ابن علي بعد موتي كحل لي في الحياه درین

حدیث این جمله زیاد آورده است (ان علی بکد کوئی کیلکی فی الحیاته) یعنی حضرت
 رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرمایند بدستیکه علم من ابد وفات من مثل علم من حیات است
 و علامه جلال الدین سیوطی رحم در رساله خود که برائے اثبات حیات انبیاء نوشته اند حدیثی از
 ابی هریره رضی الله عنه آورده که گفت شنیدم از رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرمودند
 بذاتیکه روح من در دست قدرت او است عیسی بن مریم سرود و خواهد آمد و بر من ایستاده خواهد
 کرد که یا محمد جوابش خواهم داد و جبارت بکذا و آخر که ابو نعیم بن ابراهیم بن یونس سمعت رسول
 الله صلی الله علیه وسلم یقول والذی نفسی بیدای کینز کن عیسی بن مریم کشف
 یقوم علی قبری فقال یا محمد لا جنته انتهی - و در مشکوٰۃ ست از عائشه صدیقہ
 رضی الله عنها قات گفت اذ دخل بیتی الذی فیہ رسول الله صلی الله علیه وسلم
 واکا و اضعه لی و اقول لایما هو زوجی و ائی فکما د فی عمر معهم قوالله ما
 کحلت الا واکامشد و ذکر علی ثنیابی حیاء من عمر دواہ احمد ترجمہ گفتم
 عائشه رضی الله تعالی عنها داخل می شدم در بیتیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم مدفون بودند
 (یعنی و ابوبکر) و میگذاشتم پا برچہ (یعنی چادر) خود و بل خود میگفتم جزین نیت که در خیابا
 زوج و پدر من هستند یعنی ضرورت حجاب شرعی نیت پس هرگاه کسی که عمر مدفون شد
 پس قسم بخدا داخل نشدم در آن خانه یعنی روضه شریف مگر بجا التیکه ثیاب من بر من بسته
 می بودند بوجهی از عمر است - ازین حدیث سند احمد نه صرف حیات سید الانبیاء ثابت شد
 بلکه حیات شیخین رضی الله عنهما هم بثبوت پیوست - **تتمیم** بدان اصل حدیث است
 احادیثی که تا اینجا بقید کتاب در آمدند بعضی از آنها بدلاله مطابقتی مثبت مدعا یعنی
 حیات انبیاء را ندیند بلکه در حدیث دوم ابن ماجه جمله فنی فی اللوحه یؤدی و در حدیث
 بیہقی جمله الا انبیاء احیاء یصلون فی قبورهم واقع است و بعض احادیث بدلاله
 التزامی مفید مطلب اند مثلا از حدیث اول ابن جبرنه بوسیله شدن اجسام انبیاء بعد از وفات
 و از یک حدیث صحیح مسلم نماز خواندن حضرت موسی و از دیگر حدیث سناسک حج گذاردن حضرت
 موسی و حضرت یونس علیهما السلام و از حدیث بیہقی شنیدن آن سید الانام علی آله

الصلاة والسلام کلام نائین آن بقعه ذی احترام و از حدیث دار قطنی پیش کردن فرشته
 نام خواننده درود شریف را مع نام پدرش و از حدیث سند احمد ضرورت پرده شریعی
 نه فهمیدن حضرت عایشه صدیقہ رضی اللہ تعالیٰ عنہا از قبر شریف حضرت رسول اللہ صلی اللہ
 علیہ وآلہ وسلم و قبر شریف حضرت ابوبکر صدیق رضی اللہ تعالیٰ عنہ و باز ضرورت پرده
 دانستن و قنیت که قبر شریف حضرت عمر رضی اللہ عنہ هم در آن روضه شریف مقرر شد که اینهمه
 امور بجز لازم حیات و منافی موات اند — اگر گوئی و قنیت که اجسام مقدسه انبیاء نیز زمین
 مدفون شدند نه راس نه خراب بالاے شان انداختند باز حیات و لوازمش صوم و صلوة و عطا
 عقل مینماید و شنیدن کلام و روضه سلام چه طور یا و نموده آید و لهذا علامه شمس الدین
 ابن قیم نیز در خلاص سلسله حیات انبیاء همین قسم مضمون در عقاید نامه خود عیسی قصیده نوین
 ادا کرده اند مثلاً میگوید: مِنْ قُوِّهِ أَطْبَقَ ذَاكَ الذَّرَابُ ۚ وَاللَّبَنَاتُ قَدْ
 عَمَّهَتْ عَلَى الْجَدِّ رَانِ ۚ كَوْنُكَ كَانَ حَيَاتِي الصَّهْبُ حَيَاتِهِ ۚ قَبْلَ الْمَمَاتِ بَعِيرٌ مِمَّا
 قُوَّاهُ ۚ بَمَا كَانَ تَحْتَ الْأَكْمَامِ بَلْ مِنْ قُوِّهَا ۚ وَاللَّهُ هَذَا أَسْمَتْ الرَّحْمٰنِ ه
 گویم دلیل عقلی بقایه نصیحتی و حدیث نبوی نزد علماء محققین جمیعاً و محدثین هرگز اعتیار را
 نشاید و این چنین و بهم و تیس که فی الواقع و مسائل است و باینکه مقام لعنی و مخالفت انجیل
 سید الانام علیہ و علیہ الصلاة والسلام است و قنیت ندارد و نه بینی و حدیث
 متفق علیهم همین واروشده است که مژده اندرون قبر و تحت ثراب آواز پا پوشی های
 واپس شوندگان می شنود — و در هیچ مسلم واروشده که عمر بن العاص صحابی رضی اللہ
 تعالیٰ عنه در مرض موت خود وصیت فرموده که مرا و قنیت که دفن کنی و برین ثراب
 اندازید بخت در تریج شدن شتر و تقسیم بودن گوشت آن بر قبر من مقیم باشید تا با شما
 انس گیرم و بنیم که چه مراجعت خواهیم کرد بارسل پروردگار خود — و در سند احمد از عمر بن
 محرم مرویست که دیدند مرا رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم بر قنیتیک کرده فرمودند
 صاحب این قبر را بیاورده — و علامه جلال الدین سیوطی در شرح الصدور مینویسند
 روایت کرده است ترمذی با سند حسن و بهم روایت کرده یحیی و حاکم از ابن عباس رضی اللہ تعالیٰ

که بعض اصحاب رسول الله صلی الله علیه و سلم بحالت بخیری بر قبر سیمه زنده ناکهان نشینند
 که اندرون قبر شخصی سوره ملک میخواند و تمام کرد پس آن صحابی نزد آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم حاضر شده قصه عرض نمودند و ارشاد شد که این سوره نجات دهنده است نجات
 خواهد داد آن شخص را از عذاب قبر البته - بعد تطهیر احادیث را بجهت یکدیگر متفق علیه
 صحیحین و دوم مروی صحیح مسلم است و میگوید که در سنه چهارم نقل نموده ترمذی و
 وحاکم و بیهقی است از تو میسریم که چون این قسم شعور و حیات نسبت عام موات
 (خواه موقت باشد یا مؤبد علی حسب اختلاف العلماء) از احادیث صحیح نزد همه ایمان
 آرندگان بکلمه احمدیه علی صاحبها الصلوٰه و التحیة ثابت شده باشد باز در حیات انبیاء
 بعد از وفات که افضل اند از همه مخلوقات با وجود ثبوت ارشاد کسور کائنات صلی
 الله علیه و سلم شک آوردن و خصوص هر یک را بوجه مخالفت عقل ناقص خود گذشتن از
 راه راست روگردانیدن نذیب اعتزال اختیار نمودن است و مسلک علامه ابن قیم و
 استادشان علامه ابن تیمیة درین مسکله مسلک است فاسد و روشیست کاذب و گسار
 این بحث را در عقاید نامه علامه ابن قیم چند بار مطالعه کرده یک حدیثی هم موافق معانی
 شان نیافته است صرف دلائل عقلیه در خلاف این مسکله آرند یا بعض احادیث متمسک
 جمهور الضعیف میکنند و الا تاویل می نمایند قَرَأُوا اَنْ تَذْهَبَ مِنْ وَاَعْلٰ هٰذَا الْخِیَالِ
 وَاَلَا تَكُنْ مَعْدُوًّا مِّنْ اَهْلِ الْاَعْتِزَالِ - اگر گوئی هر چند احادیث مذکور بر ثبوت
 حیات انبیاء خصوصاً حیات سید المرسلین خواهی بود و سراسر علیه و علیهم صلوات الله تعالی ناطق
 اند مگر وقتیکه آحادند معارض نتوانند شد بآیات قطعیات مثلاً اِنَّكَ مَيِّتٌ وَاَنْتُمْ
 مَيِّتُونَ وَاَنْتُمْ ذٰلِقَةُ الْمَوْتِ و غیره که ثابت و فائزند گوئیم اما اول آیات
 قرآنی بروفات و قتی و معات عادی که لازم بهم انسانی است دالالت میکنند و احادیث
 بعد و قتی عین وفات مثبت حیات اند فلذا معارضه بینهما کما قال الشیخ الاجل و المحدث الاجل
 مولانا شاه عبدالحق دہلوی رحمة الله علیه فی مدارج النبوة و اگر گویند که قرآن ناطق است
 بربوبت آنحضرت صلی الله علیه و سلم قال الله تعالی اِنَّكَ مَيِّتٌ وَاَنْتُمْ مَيِّتُونَ

جواب اول

ارادہ شنیدن اذان کروم مگر نہ شنیدم و اخراجہ ابو نعیم فی دلائل النبوة میں ہے
 أخر عن سَعِيدِ بْنِ السَّيِّبِ قَالَ لَقَدْ رَأَيْتُنِي كَيْفَ لِيَ الْحُجْرَةِ وَمَا فِي مَسْجِدِ
 رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ غَيْرِي وَمَا يَأْتِي وَفَتْ الظَّاهِرَةُ إِلَّا سَمِعْتُ
 الْأَذَانَ مِنَ الْقَبْرِ ثُمَّ أَتَقَدَّمُ فَأَقِيمُ وَأُصَلِّي وَأَنَّ أَهْلَ الشَّامِ يَذْهَبُونَ
 دُمُرًا فَيَقُولُونَ أَنْظِرُوا إِلَيْنَا هَذَا الشَّيْخُ الْمَجْنُونُ - ترجمہ - ابو نعیم در دلائل
 النبوة بوجہ دیگر از سعید بن السیب روایت کردہ کہ گفتم دیدم خود را بجا التیکہ بنود
 در مسجد رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم کسے سوائے من نے آد وقت نماز مگر کہ سے
 شنیدم اذان از قبر شریف پس پیش می‌شدم و کبیرے گفتم و نماز سے گذاردم و گر وہ اہل
 شام داخل شدہ میگفتند بہ بینید از شیخ مجنون را انتہی من شرح الصدور و شیخ
 المحمّد بن مولانا شاہ عبدالحق دہلوی در جذب القلوب فرماید کہ قصہ شنیدن اذان سعید
 بن السیب تا تہ روز از قبر شریف نبوی شہورست - و در مواہب لدنیہ از شیخ
 ابوالعباس قسطلانی ہے آر کہ ایشان وقتے بر حضرت بنی صلی اللہ علیہ وسلم یعنی در
 روضہ شریف داخل شدہ حضرت بنی صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند اخذنا لک یدیک
 یا احمد و ہم روایت از شیخ ابی السود مروایت کہ گفتم زیارت میکردم شیخ
 ابوالعباس و غیرہ صلواتہم علیہم اجمعین مصر را پس متبیکہ از ہمہ جدا گشتم و بذر مشغول
 گردیدم و فتوح کار شدن گرفت نبو و شیخ من بجز بنی صلی اللہ علیہ وسلم و بمصافحہ
 مشرف می‌فرمود پس ہر نماز و نیز در مواہب از شیخ ابوالعباس جزار نقل ہے کہند کہ داخل
 شدم بجا پیش حضرت بنی صلی اللہ علیہ وسلم یعنی در روضہ شریف پس باقیم حضرت
 بنی صلی اللہ علیہ وسلم را کہ برائے اولیا را بعد فرمان ولایت تحریر ہے فرماید و برائے
 برادر من محمد ہم فرمان نوشت عرض نمودم یا رسول اللہ مثل برادر برائے من نے
 نویسید فرمود آیت تو قہار شدن میخواہی کہ در لغت اندلس طرے را میگویند و ازین
 معلوم شد کہ مقام ایشان دیگر بود - و آیتنا در مواہب حکایت کردہ شدہ است از سعید
 نور الدین اللیجی کہ ایشان در بعض مواقع زیارت رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم

جواب سلام خود از داخل قبر شریف باین لفظ شنیدند علیکم السلام یا ولدی تنهی من الموهب

[illegible][illegible]

حضرت شیخ الحدیثین فخر المتأخرین حضرت مولانا شاہ ولی اللہ محدث دہلوی
قدس سرہ رسالہ چہل حدیث نمبر ۱۰۰، در تثنیٰ فی مبشرات النبی الامین بضعیف فرمود

باینکه رسول الله صلی الله علیه وسلم مقتول یعنی شهید شدند پس ندیده ترست نزد من از خود من
 یکبار باینکه شهید نشده اند زیرا که الدجل ثمانه رسول الله صلی الله علیه وسلم را بنی گردانید و
 هم رتبه شهادت عطا فرمود ابراهیم را وی میگوید گمان میکردند که یهود حضرت بنی صلی الله
 علیه وسلم و حضرت ابوبکر رضی الله تعالی عنهما را زهر خورانیدند انتہی - و علامه جلال الدین
 در انتباه الاذکیاء تحریر فرمایند که در اکثر انبیاء با وجود نبوت و صفات شهادت هم جمع بود
 است حیث قال وقل نبی الا وقد جسمتم مع النبوة و صفت الشهادة قد خلتون
 فی عموم الایة - و اما راجع احادیث اثبات انبیاء خصوصاً حیات سالار قافله
 ایشان رحمۃ العالمین صلی الله علیه وسلم و علیهم جمیعین از درج احادیث حاو گذارسته
 تا رتبه شهرت و تواتر معنوی رسیده اند گنگا قال خانو المحدثین علامه جلال الدین
 سیوطی فی انبیاء الاذکیاء قال قول حیاة النبی صلی الله علیه وسلم فی قبره
 و سائر الانبیاء معلومة عندنا من الاولة فی ذلك و تواترت بر الاخبار
 الدالة علی ذلك - و اما ما ثبت حیات بنی الانبیاء و احوال هر دو سر الله علیه و
 آله من الصلوات اکملها و من التسلیمات افضلها در مشاہد ابرار و معاینه اولیاء کبار
 در آمده محتاج بدیسی و موقوف بر برائے نمانده - در سند دارمی مروی شده است
 که سعید بن السیب ایام حرمه که یزید بلیغ کرد که مقتول برائے غارت مدینه طیت به
 فرستاده بود و ماسه روز در مسجد نبوی اذان اقامت بهم نشد بود و از انجا مفارقت نشدند
 و چون وقت نماز میرسید از قبر شریف نبوی صلی الله علیه وسلم آواز می شنیدند
 و نماز می گزارند عبارت الدارمی بهذا أخبرنا مروان بن محمد عن سعید بن
 عبد العزیز قال لما کان اقام الحرة لم یؤذن فی المسجد رسول الله صلی
 الله علیه وسلم ثلاثاً و لم یقم و لم یتکرم سعید بن السیب من المسجد و کان
 لا یعرف وقت الصلوة الا انهم من یسمعونها من قبر النبی صلی الله علیه وسلم
 فذکر معناه - و این قصه شنیدن اذان سعید بن السیب از قبر شریف بطریق
 مختلفه در کتب متعدده مروی شده فرمود مختارین علامه جلال الدین سیوطی در شرح

جواب چہم

جواب پنجم

الصدور واخرهم سبيد بن السبيد انه كان يلازم المسجد ايام الحزوة
 والناس يقتتلون قال فكنث اذا احانت الصلوة اسمع اذا نأى خرج من قبل
 القبر يعني القبر النبوي صلى الله عليه وسلم ترجمه روايت کرده است ابن سعد السعدي
 بن السبيد که اولاد مسجد نبوی بود در زمان جنگ حره و مردمان با هم جنگ میکردند
 گفت سعید بن السبيد وقتیکه هنگام نماز میشد شنیدم اذان که از جانب قبر نبوی
 می برآمد و قال الوييد بن بكار في اخبار المدينة حدثني محمد بن عبد العزيز
 بن محمد وغيره عن بكر بن محمد انه لما كان ايام الحزوة ترك الاذان
 في مسجد رسول الله صلى الله عليه واله وسلم ثلثة ايام وخرج الناس الى الحزوة
 وجلس سبيد بن السبيد في المسجد قال فاستوحشت وكنت من قبر رسول
 الله صلى الله عليه وسلم فلم احضرت الظهر سمعت الاذان في قبر رسول
 الله صلى الله عليه وسلم فصليت ركعتين ثم سمعت الاقامة
 فصليت الظهر ثم جلست حتى صليت العصر سمعت الاذان في قبر
 رسول الله صلى الله عليه وسلم ثم سمعت الاقامة ثم لم ازل اسمع الاذان
 والاقامة في قبر رسول الله صلى الله عليه وسلم حتى مضت الثلثة وقتل
 القوم ودخلوا المسجد وعاد المؤذن فاذا نوافت سمعت الاذان في قبر
 فكم استغفله ترجمه روايت است از بكر بن محمد وقت جنگ حره و مسجد رسول الله
 صلى الله عليه وسلم ناسه روز اذان نشد مردمان جانب حره رفتند و سعید بن السبيد در مسجد
 نبوی نشست گفت سعید مرا وحشت پیداشد و از قبر رسول الله صلى الله عليه وسلم نزدیکی
 شدم پس هرگاه بیکه وقت نماز ظهر رسید شنیدم اذان قبر رسول الله صلى الله عليه وسلم
 و دو رکعت نماز اگر دم پس از آن آواز تکبیر شنیدم و فرض ظهر خواندم پس نشستم تا آنکه
 نماز عصر خواندم شنیدم اول اذان پس اقامت و برابر همین طور شنیدم اذان و
 اقامت در قبر رسول الله صلى الله عليه وسلم تا آنکه سه روز گذشتند و قوم مقتول شدند
 و در مسجد داخل شدند و مؤذن باز پس رسید پس اذان گفت بعد از آن قصد در قبر نبوی

از آیت ثابت است و اوست تا تعارض واقع شود با حدیث مشهور
 و حضرت نبی صلی الله علیه و سلم زنده کرده شد و بعد وفات و بهین سبب منتقل نشد ملک
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم جانب ورثه و این حیات قوی است از حیات شهید و بلا شبهه
 بثبوت پیوسته که اجساد انبیاء بوسیده نمیشوند و عود کرده و روح در تمام اموات ثابت
 است چه جائی شهید افضل است عن الانبیاء البتة در استمرار روح کلام هست و هر گاه هیچ کس از
 دلیل سمعی حسب تصریح علماء استمرار روح در انبیاء بشاید حیات دنیا ثابت شد اثباتش
 لازم است و نماز گذاردن حضرت موسی علی نبینا و علیه السلام در قبرش باید این مسئله است
 زیرا که او انگی نماز جسم زنده را میخواهد و همچنان چهار صفات مذکوره در انبیاء در شب است
 صفات اجسام اندر استیسه مخصوصا - و اما ثانیا چون بالاجماع انبیاء افضل اند از شهید پس
 فضیلتیکه در شهید خواهد بود در انبیاء بدرجه اولی خواهد بود و حیات که برائے شهید از
 نفس کلام الله بطور عبارتة النفس ثابت است برائے انبیاء بطریق اقتضای انقضای ثابت
 خواهد بود و الا خلاف اجماع لازم خواهد آمد و بهذا صرح جمهور العلماء سیاط النعمه فی التذکر
 الاتقیاء - و اما ثالثا پس اینکه حیات حضرت سید الانبیاء صلی الله علیه و سلم بوجه تحقق
 صریح شهادت از صدمه مسوئیت که زنیه یهودیه در شاة مصلیه داده بود از نفس ظمعی
 و آیت قرآنی عبارتة النفس هم ثابت است چرا که در بخاری شریف از حضرت عائشه صدیقہ
 رضی الله عنہا مرویست که فرمودند حضرت رسول الله صلی الله علیه و سلم در مرضیکه وفات
 یافتند یا عائشه ما ازل احدکم الطعام الذی اکلتم حیثکم و هذا اوان
 یفیطاع آخری من ذلک الستم یعنی عائشه همیشه می یافتم طعامی که
 در جنبه خورده بودم و حال امری یا بم القطاع رگ حیات خود از ان سم استی که در مسند
 احمد از عبد الله بن مسعود رضی الله عنہ مرویست قال لان اکلتم لتسعا ان رسول
 الله صلی الله علیه و سلم قتل قتیلا احب الی من ان اکلت و احده انک
 لم یقتل ذلک بان الله جعله یدیا و الخلة شهیدا قال ابن ابرهیم و کانوا
 یرون ان اليهود سمیوا و ایا بکرم ترجمه - فرمود عبد الله بن مسعود اگر نه بار سوگند خورم

جواب دوم

جواب سوم

بعض احادیث بطور روایدر نام از حضرت سید الانام علیه و علی له الصلوٰۃ والسلام
روایت کرده اند و بعض احادیث بعد مشاهده روح کریم از ان حیات النبیه علیه صلوات
ربلی بوسیله بعض اساتذہ خذ نمودند چنانچه در حدیث سی و شش از شیخ محمد بن محمد بن
صواب روایت میکنند که برائے زیارت حضرت بنی صلی الله علیه وسلم هر کس با عارف
بالکشف شیخ عبد المعطی ثوئسی فرستیم هر گاسیکه قریب روضه شریف رسیدیم پیاده پا
کردیم شیخ عبد المعطی چند قدم میرفت توقف میکرد تا آنکه ایستاد پیش قبر شریف کلام
کرد که ما نه فهمیدیم چونکه واپس شدیم از سبب توقف چند جا سوال کردیم جواب داد
رسول الله صلی الله علیه وسلم در حاضر شدن خود از من طلبیدم چون ارشاد میشد که بیا
ساعتی میرفتم و باز من ایستادم تا آنکه رسیدم و عرض کردم یا رسول الله صلی
الله علیه وسلم هر چه اقام بخاری از انجناب روایت کرده هیچست فرمود هیچست از عمر
نمود روایت کنم بخاری را از انجناب ارشاد شد روایت کن انتہی مختصرا بعد ازین
مولانا محمد وحید فرمایند که یافته ام این حدیث را بخط شیخ عبد الحق دہلوی با سندے دیگر
از شیخ عبد المعطی بهمن حسن و در ان بقدر زیاده است هر گاسیکه فارغ شد از زیارت
و مایه خلق به حاضر نمود که از انجناب صحیح بخاری صحیح مسلم روایت کند یعنی درین روایت
و که صحیح مسلم هم موجود است تبرکاً و سند اصل حدیث از رساله بقطعه نقل نموده میشود
الْحَدِيثُ الثَّالِثُ وَالتَّائِيُونَ أَخْبَرَنِي الشَّيْخُ أَبُو طَاهِرٍ قَالَ أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَحْمَدُ بْنُ
قَالَ أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ السَّيِّدُ السَّنْدُ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الْقَادِرٍ قَالَ أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ بِهَمَلٍ الدِّينِ
الْقَبْرَوَانِيُّ عَنْ شَيْخِهِ الشَّيْخِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَطَّابِ الْمَالِكِيِّ قَالَ أَخْبَرَنَا عَمِّي الشَّيْخُ بَرَكَاتُ الْحَطَّابِ
عَنْ قَالِدٍ عَنْ جَدِّهِ الشَّيْخِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْحَطَّابِ شَارِعٍ مَخْتَصَرِ الْخَلِيلِ
قَالَ مَشَيْتُ مَعَ شَيْخِنَا الْعَارِفِ بِاللَّهِ الشَّيْخِ عَبْدِ الْمُعْطَى الْبُؤْسِيِّ لِرِوَايَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمَّا قَرَبْنَا مِنَ الرُّوضَةِ الشَّرِيفَةِ تَرَجَّلْنَا بِجَمَلِ الشَّيْخِ عَبْدِ الْمُعْطَى بِمِثْقَالِ خَطَايَا
وَبَقِيَ حَتَّى وَقَفَتْ بِنَاهِ الْقَبْرِ الشَّرِيفِ فَكَلَّمَ بِكَلَامٍ لَمْ نَفْقَهُ ثُمَّ قَلْنَا انْصَرَفْنَا سَائِلِينَ
عَنْ وَقَفَاتِهِ فَقَالَ كُنْتُ أَطْلُبُ الْإِذْنَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاسْتَم

فِي الْقُدُومِ عَلَيْكَ فَإِذَا قَالَ لِي أَقْدَمُ قَدِمْتُ سَاعَةً ثُمَّ وَقَفْتُ وَهَكَذَا حَتَّى وَصَلْتُ
 إِلَيْهِ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَكَلِمَارَ وَأَهْلَ الْبَحَارِ عَنْكَ صَحِيحٌ فَقَالَ صَحِيحٌ فَقُلْتُ
 كَلْ أَرُوِيْعُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَرُوَا عَنِّي وَقَدْ أَجَازَ الشَّيْخُ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ نَفَعَنَا اللَّهُ تَكَا
 بِهَ الشَّيْخُ مُحَمَّدُ حَقَّابٌ أَنْ يَرُوِيَهُ عَنْهُ وَهَكَذَا كَلَّوْا حَاجَازَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَجَازَ السَّيِّدُ
 أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الْقَادِرِ لِلْخَلِيِّ يَرُوِي عَنْهُ بِهَذَا السَّنَدِ وَأَجَازَ الْخَلِّي لَابْنِ طَاهِرٍ وَأَجَازَ
 أَبُو طَاهِرٍ لَنَا قُلْتُ وَوَجَدْتُ هَذَا الْحَدِيثَ بِحِطِّ الشَّيْخِ عَبْدِ الْحَقِّ الدَّهْلَوِيِّ بِأَسْنَانٍ
 لَهُ عَنِ الشَّيْخِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ بِمَعْنَاهُ وَفِيهِ فَلَمَّا فَرَغَ مِنَ الزِّيَارَةِ وَمَا يَتَعَلَّقُ بِهَا سَأَلَنِي
 أَنْ يَرُوِي عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَحِيحٌ الْبَحَارِ وَصَحِيحٌ الْمُسْلِمِ بِسَمْعِهِ الْأَجَازِ
 مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَذَكَرْتُ صَحِيحٌ مُسْلِمٌ أَيْضًا أَنْتَهَى وَحَضَرَتْ قُطُبُ الْعَالَمِ شَيْخُ
 عَبْدِ الْقَدُوسِ كُنْكَوِي حِشْتِي صَابِرِي قَدِيسُ الدَّرَسَةِ دَرْكِتُوبُ صَدِّ وَخَيْسَمُ تَحْرِيرِي فَوَازِدُ
 كَرِهَ حَضَرَتْ شَيْخُ الْمَشَائِخِ خَوَاجَةُ عَثْمَانُ دَارُونِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ خَوَاجَةُ خَوَاجُكَانُ مَرْتَدُ مَرْتَدُ
 خَوَاجَةُ حَمِيدُ الْحَقِّ وَالِدِينُ هُنِي الْمُتَعَالِي عَنْهُ وَارْضَاهُ عَنَّا رَازِيَارَتُ رَوْضَةُ رَسُولِ الْمَصْلُ
 الْمَدِينَةِ سَلَّمَ مَشْرِفُ كَرْدَانِيْدَةُ فَرَمُودَايَ فَرْزَنْدُ رَسُولِ الْمَدِينَةِ سَلَّمَ رَاسَلَامُ كَمَنْ
 حَضَرَتْ خَوَاجَةُ رَسُولِ الْمَدِينَةِ سَلَّمَ رَاسَلَامُ كَرْدَايَ وَكَلَّمَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ الْمَدِينَةِ
 أَرْزُوزَةُ رَسُولِ الْمَدِينَةِ سَلَّمَ حَوَابُ سَلَامُ عَلَيْكَ سَلَامُ بِأَقْطَبِ الْمَشَائِخِ وَحَضَرَتْ
 وَلايَتُ هِنْدُ أَنْتَهَى - وَدَرْجُزُ بَاقُلُوبُ حَضَرَتْ شَيْخُ الْمُحَدِّثِينَ شَيْخُ عَبْدِ الْحَقِّ دَهْلَوِي تَحْرِيرِي
 مَيَكَنْدُ كَرْدَانُ بِنَجَارُزُ أَبْرَاهِيمُ رَوَايَتُ مَيَكَنْدُ كَرْدَانُ سَلَّمَ حَجَرُ كَرْدَمُ وَدَرْجُزُ زِيَارَتُ رَسُولِ
 الْمَدِينَةِ سَلَّمَ دَرْجُزُ دَرْجُزُ طَبِيبُ حَاضِرُ شَدَّةُ نَزْدِيَكُ قَبْرِ شَرِيفُ رَفْتَةُ سَلَامُ عَرْضُ كَرْدَمُ
 آوَا زَادُ دَرْجُزُ السَّلَامُ أَنْتَهَى - وَأَمَّا سَادَةُ عَلَاوَةُ مَشَاهِدَةُ أِبْرَارُ وَمَعَانِيْدَةُ أَخْيَارُ دَرْجُزُ
 عَجَائِبُ مَعْجَزَاتُ وَغَرْزُ بَخَوَارِقُ عَادَاتُ رَوْضَةُ حَضَرَتْ شَرَفُ الْخَلُوقَاتِ عَلِيْدَةُ وَغَلِي
 أَلَمُ الصَّلَوَةِ وَالتَّحِيَّاتُ مَنَقُولُ شَدَّةُ أَنْدَكُ بِرَحِيَّاتُ صَاحِبِ مَعْجَزَاتُ سِرُورُ كَانَاتُ دَوْلَاتُ
 مَيَدَانُ دَرْجُزُ كَرْدَمُ دَهْلَوِي دَرْجُزُ بَاقُلُوبُ قَصْدُ سُلْطَانُ نُورُ الدِّينِ نَقْلُ مَيَكَنْدُ كَرْدَمُ
 سَنَةُ خَيْسَمُ وَخَوَاجَةُ وَهَفْتُ هَجْرِي سُلْطَانُ مَذْكُورُ شَدَّةُ مَرْتَدُ رَسُولِ الْمَدِينَةِ سَلَّمَ رَاسَلَامُ

جواب ششم

در خواب دید که جانب دو کس اشاره فرموده ارشاد میکنند که از شتران کسان مرا خلاصی ده
 سلطان بفرست در یافت که در مدینه منوره امری غریب پیش آمده باشد که موجب اذیت
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم گردیده است فی الفور بشتان تیز رفتار مع لشکر و مال بسیار
 روانه شده در مدینه منوره رسید آخر الامر آن دو کس که در خواب صورت ایشان شناخته بود
 گرفتار که در تفتیش معلوم شد که قریب روضه شریف در رباطی بصورت عابدان قیام کرده
 زمین را سکنه میداد و میخواستند تا قریب قبر شریف رسید جسم اطهر را نیز رسانند
 و این هر دو شخص نصرانی بودند سلطان هر دو را گرفتار نموده بقبل رسانیده در آتش سوخت
 و در روضه شریف خند و عیق کندیده از شیشه پر کرد حضرت محبت دهلوی مینویسد
 که همه مورخان مدینه مثل جمال الدین فیروز آبادی قصه نقل نموده بهم در جذبا لقلوب
 است از تاریخ بغداد در صنف ابن بخار که یکم از امر اجماع سیدیه که حاکم مصر و قاهره بود
 بوجه اغوا بعضی مدعیان اراده کرد که اجسام طاهره و اجساد مقدسه رسول الله صلی الله
 علیه و سلم و شیخین رضی الله عنهما از مدینه منوره برآورده در مصر دفن کند تا باعث رونق
 دیار مصر شود و آن بلاد مرجع عالم گرد و چنانچه معتمد خود ابو الفتح نام را بر اسم این کار
 متعین کرد و تسمیه ابو الفتح در مدینه رسید در همان شب چنان هوای تیز وزید
 که تمام زمین ته و بالا گردید و شتران و اسبان مع زمین پالان می افتادند و بوجو شدت
 هوا بر زمین می غلطیدند ابو الفتح چون این حال دید بسیار خائف شده ازین خیال محال
 تائب گردید و نیز در جذبا لقلوب از ریاض النضره صنفه محبت طبری می آرد که در فضل
 حلب در مدینه منوره رسید با حاکم مدینه که از بس طامع بود سازش نمودند و بسیار تحالیف
 و پاداندرش کردند تا اجازت داد که وقت شب مسجد نبوی هر چه خواهد بکند ایشان
 قریب چهل کنج و دوازده آلات کنیدن یعنی کدال و بیل و کند و غیره گرفتار فتنه و خواستند که
 اجسام مقدسه حضرت شیخین رضی الله عنهما را از قبر شریف برارند چون قریب زیارت عثمان
 رسیدند همه تا در زمین حنفت شدند و بجهنم واصل شدند و اما سابقا چون حیاة برگزیده گان
 ائمه محمدی علی صاحبها الصلوات و التحیة که در هر امر تابع و پیرو سلاله قافله خودند و بهر کس

اتباع آنحضرت صلی الله علیه و سلم رسیدند بر آن مقام که رسیدند از شهادت قوی و شجرات
 متکاثره بثبوت پیوسته باشد باز در ثبوت حیات آنکس این است و سالار این قافله که ترویج
 و مقصود از هر موجود است شک آوردن هم نصوص صحیح را در پس انداختن راه نادانی
 اختیار نمودن و طریقه محرومی پیروی است فخر المتأخرین علامه جلال الدین سیوطی در
 شرح الصدور میفرماید قال النبی صلی الله علیه و سلم قد روی فی التکلم بعد الموت جماعة ما سئلت
 حیمه ثم اخبرهم هو وابی الدنیا عن عبد الله بن عقیل الله الانصاری ان
 رجلاً قتل من مسلمة نکلم فقال محمد رسول الله ابو بکر الصديق عثمان
 اللین الرحیم لا ادری انس قال العمر - وأخبر النبی صلی الله علیه و سلم ووجه اخر عنه قال
 یکنها هم یوارون القتلى یوم صفین أو یوم الجمل اذ نکلم رجلاً من الانصار من
 القتلى فقال محمد رسول الله ابو بکر الصديق عمر الشهد عثمان الرحیم
 ثم سکت وأخبر البخاری فی تاریخہ عن عبد الله بن عقیل الله الانصاری قال
 كنت فیمن دفن ثابت بن قیس بن شماس کان اُصیب یوم الیامة فاکفنا ادخلنا
 قبره سمعنا یقول محمد رسول الله ابو بکر الصديق عمر الشهد عثمان اللین الرحیم
 فقطرنا لیه فاذا هو میت ترجمه گفت یقی از جماعت با سائید صحیح روایت کرده
 شده است که بعد از موت کلام کردند چنانچه یقی و ابن ابی الدنیا از عبد الله بن عقیل
 الانصاری روایت میکنند که شخصی از قتلی سئید کلام کرد و گفت محمد رسول الله ابو بکر
 صديق عثمان رحیم است و یقی از وجه دیگر از عبد الله بن عقیل الله الانصاری
 روایت کرده که وقتی که مقتولین را یوم صفین یا یوم الجمل در خاک پوشید میگردیدند
 ناگهان شخصی از مقتولین انصار کلام کرد و گفت محمد رسول الله ابو بکر الصديق عمر الشهد
 عثمان الرحیم پسترا فاموش گشت و آورده امام بخاری در تاریخ خود از عبد الله بن عقیل الله
 الانصاری گفت بودم در کسانیکه دفن کردند ثابت بن قیس بن شماس را و او زخمی شده
 بود روزیامه پس هر گاه که داخل کردیم او را در قبر شنیدیم میگوید محمد رسول الله ابو بکر
 الصديق عمر الشهد عثمان اللین رحیم چنان آواز میدهم مرده بود و هم در شرح الصدور

تَحِلُّ الْبَيْعَتُ فِي شَعْبِ الْإِيمَانِ ثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظُ حَدَّثَنِي أَبُو اسْحَاقَ إِبْرَاهِيمُ شَنَا
 اسْمَعِيلُ بْنُ يَحْيَى بْنِ خَازِمٍ السَّلْمِيُّ ثَنَا حُشَامُ الْمُقْتَابَارِيُّ عَنْ أَبِي عَزْرَةَ جَدِّكَ أَبِي بَرَكَةَ هَيْمٍ وَكَانَ
 قَاضِي نِيشَاپُورٍ وَدَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ فَقِيلَ لَهُ إِنَّ عِنْدَ هَذَا حَدِيثًا عَجَبًا فَقَالَ يَا هَذَا وَمَا
 هُوَ قَالَ عَلِمْتُ فِي كُنْتُ رَجُلًا نَبَأْتُ أَنَّ بَشَاقَةَ الْقُبُورِ فَهَاتِ امْرَأَةً فَذَهَبْتُ لَا تَعْرِفُ
 قَبْرَهَا فَصَلَّيْتُ عَلَيْهَا فَلَمَّا جِئْتُ اللَّيْلُ ذَهَبْتُ لَا بَشَاقَةَ عَنْهَا وَضَرَبْتُ بِيَدِي إِلَى كَفِّهَا
 لَا سَلَامَ عَلَيْهَا فَقَالَتْ سُبْحَانَ اللَّهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ يَسْلُبُ مِنْ امْرَأَةٍ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ
 ثُمَّ قَالَتْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّكَ مِمَّنْ صَلَّيْتَ عَلَيْكَ وَأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَظَّمَ لَكَ عَظْمِي صَلَّيْتَ عَلَيْكَ -
 ترجمہ روایت ستارہ الی ابراہیم قاضی نیشاپور شخصے نزد سے آدم مردمان گفتند
 قصہ عجیب گوید قاضی پر سید جواب داد کہ من نہ باشم دم کفن سے دزدیدم زنی
 مرد پس میں ارادہ رفتم کہ قبر ویرا سے شناسم و نماز جنازہ گذارم چون شب تاریک شد
 برائے دزدی کفن رفتم و جانب کفن بہت اخڑو سے دست انداختم زن مردہ گفت
 سبحان اللہ مرد سے جنتی از زن اہل جنت کفن سے دزد و پس گفت نمیدانی جنازہ من
 نماز گذار دی و خدا سے بزرگ جملہ نماز گذارندگان جنازہ مرا بخشید اگر کوئی در حیات
 انبیاء و حیات شہداء چه فرق است گویم فرمتے بسیار و تفاوتے ست بشمار حیات
 شہداء حیات روحانی ست و حیات انبیاء حیات روحانی و جسمانی حکام عن حدیث
 البیہقی ان الارض لا تاكل اجساد الانبياء یعنی زمین اجساد انبیاء را نمی خورد و ہمین
 وجه موجودہ خواہد بود برائے عدم انقطاع نکاح انبیاء و نہ تقسیم بودن ترکہ ایشان بخلاف
 شہداء کہ ترکہ شان تقسیم میگردد و نکاح از ولج شان درست میشود اگر کوئی حدیث
 بیہقی کہ (الانبياء لا يتركون في قبورهم بعد ان يعين ليكة ولكمهم فيهاون بين
 يدى الله حتى ينفخ في الصور) برستمر حیات انبیاء در قبر و دلالست نمیکند بلکہ از من
 حدیث معلوم میشود کہ انبیاء صرف چهل روز در قبور سے باشند بعد از ان ہمیشہ پروردگار
 خود تا قیام قیامت نماز میگذارند و بخلاف ما دینا گویم من حدیث بیہقی
 معارض نتوانم شد بحديث صحيح مسلم (مَرَرْتُ بِمَوْنَى وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي قَبْرِهِ)

که برجیات حضرت موسی علی نبیا وعلیه الصلوٰۃ و السلام در قبر تا زمان برکت نشان نبی
آخر الزمان علیه الصلوٰۃ من الرب المنان دلالت میدارد و همچنین دیگر احادیث بهیچ
و غیره که در ابتدای رساله منقول شده اند مثبت حیات انبیاء در قبر اند - و هذا آخر الكلام
فی هذا المقام و صل علی رسولہ و خیر خلقہ سید الانام و علی آلہ و صحبہ الکرام -

تقریظ مولانا مولوی عبدالسلام صاحب

امام مسجد شمله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ وَعَلَّمَ الْبَيَانِ مَا تَعْلَمُ وَالصَّلَاةُ وَالْ
وَالسَّلَامُ عَلَى حَبِيبِهِ وَرَسُولِهِ سَيِّدِ الْأَعْرَبِ وَالْعَجَمِ وَعَلَى آلِهِ وَآحِبَائِهِ مَصْنُوعِ
الْفِكْرِ الْإِلَهِيِّ الْيُغَيِّرُ الْبَنِيَّةَ الضَّعِيفَ وَكُنَّامِ رَاجِي عَفْوِ رَبِّ الْأَنَامِ مُحَمَّدٍ الْمَدِينِيِّ عَبْدِ
الْكَاشِمِيِّ وَطَنًا وَحَقْنِي نَذْبًا وَحِشْتِي النِّظَامِي الْفَخْرِي الْبِنَايِي مُشْرِعًا عَنِ الْعَدْنَةِ
عَنِ الدِّيَةِ وَحَسَنِ الْبَهَا وَالْيَمِينَةِ كَرَامِيَابِ عَقُولِ الْأَصْحَابِ فُحُولِ مَحْبُوبِهَا وَكِرْسَالِهِ نَذْمِيَّةِ
تَبَشِيرِ الْأَصْفِيَاءِ بِأَثْبَاتِ حَيَاتِ الْأَنْبِيَاءِ رَسَالَةِ الْيَسْتِ كِهْ دَلَالِ وَاثْقَاتِ بُنْيَانِ مَرْصُوعِ
صَحِيفَةِ الْيَسْتِ كِهْ بِرَأْسِ قَاطِعِ الْأَخْبَارِ وَنُصُوصِ رُوضَةِ الْيَسْتِ أَرْزَامِ زَاهِرِ الْأَحْقَاقِ أَرْزَامِ
أَشْجَارِ الْيَسْتِ كِهْ أَعْمَارِ أَنْصَارِ دِينِ حَقِّ مَطْلُوقِ الْأَرْزَامِ لَفْظِشِ الْيَسْتِ كِهْ
كِهْ مَوْلُوشِ عَالَمِ عُلُومِ مَنَقُولِ وَعَقُولِ وَاقِفِ فَنُونِ فُرُوعِ وَأَصُولِ جَامِعِ الْوَارِثَةِ -
قَاطِعِ أَشْجَارِ عِلْمِ حَقِّ جَلِيلِ حَرَمِ نَبِيلِ - مَوْصُوفِ بَادِي مَافِي سَجْدِ وَعَدِّ مَوْلَانَا مَوْلَايِ
مَشْتَقِ أَجْمَادِ وَاجِدِ الْجَمِيلِ الْمَعْرُوفِ رَأْسِ الْكَلِمَةِ وَالْعَقْلِ أَصْلِ دِينِهِ وَالْعِلْمِ سَلَامَةِ الْفَقْرِ فَرَحِ
وَالْتَقْوَى حُرْفَةِ الْيَقِينِ قُوَّةِ وَحَكْمَةِ عَقْلِهِ وَالْوَفَا طَبْعِهِ وَسَلَامَةِ رَبِّهِ آمِينَ أُنْجِيَّةِ كِهْ بَيَانِ
بِنُصُوصِ بَرَّانِ عِيَانِ نَمُودِ نَذْبِ جِبَالِشِ بِدِيكَ انْبِيَاءِ دَرِ قُبُورِ نَا مِيكَ زَارِندِ وَحَقِّ انْدِيَا حَصْرِ
حَضْرَتِ سَيِّدِ الْبَشَرِ صَلَّيْهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كِهْ أَفْضَلِ خَاتَمِ جَلَّانْدَزَنْدِهْ انْدِيَا حَيَاتِ الرُّوحِ وَ
صَحِيحِ حَسْمِ نَوْعِيكَ ثَبُوتِ رَسَانِدِ عِلَالَةِ مَوْلَانَا رَسَالَةِ أَقُولُ أَنَا وَالْعَقْدُ كِهْ

نس و شایسته علی علیه السلام بود حاجت استقبال رسول الله صلی الله علیه و سلم
 بود که بطرف روضه منوره متوجه شود و محقق حقائق شریعت مبتین و قایق طریقت
 علامه العلوم شیخ محی الدین ابن العربی قدس الله تعالی سره در تفسیر خود مینویسد و الرسول
 صلوات الله علیه علی مرتبه کل متدین بدین در دین و حقیقتی که الی هو علیها من دین و حجت
 الذی هو به محبوب عن کمال دین و به یوسف دین و به وحدود ایمانهم و اعما لهم و
 حسناتهم و سیئاتهم و اخلاصهم و نفاقهم و غیر ذلك بنور الحق و ائمه یعوفون
 ذلك من سائر الامم بنوره صلی الله علیه و سلم و همچنین خاتم المفسرین شاه
 عبدالعزیز دهلوی قدس الله سره العزیز در تحت آیه و یتوکل الرسول علیکم کرم الله
 وجهه مینویسد یعنی باشد رسول شما را گواه زیرا که او مطلع است بر نبوت بر مرتبه ستمیز
 بدین خود که در کدام درجه از دین من رسید و حقیقت ایمان و صییت و حجابیکه بدان از
 ترقی مانده است کدام است پس او می شناسد گناهان شما و درجات ایمان شما را و
 نیک و بد شما را و اخلاص و نفاق شما را فقط پس از لفظ ایشانند و از لفظ نور نبوت ظاهر
 و باهر است که و سه صلی الله علیه و سلم حیات اند قائل اللهم اغفر لنا و لاخواننا
 الذین سبقونا بالایمان و اغفر عنا و تجاوز بحیات نبیک الکریم انک
 که تدری من تشاء الی صراط مستقیم

کتبه فقیر محمد عبد الله غفر له و ارثی ابن ابی جری الشریف مولی فضل آل نبی صلی الله علیه و سلم
 بالقبض اللاتناهی ساکن قریه کوثر ارض صفات و زکریا ۹۰ هـ

تقریر

مولانا مولوی غلام محمد صاحب ہوشیار پوری

نحمدہ اللہ وحدہ ونصلی علی من لانی بعدہ۔ اما بعد

فما فی ہذہ الرسالۃ الّتی اتّفقوا الوقت نکات المتقول

والمتقول العربی لغو امض العنروع والاصول المتکلی

المتوحّد مولانا الحافظ مولوی مشتاق احمد علیہ السلام

الاحمد مقرون بالحق والصواب مقبول عند

اولی الالباب ولا تلہا شیئ من المرام وبراہینہا

اتّیقت النظام اللہم اجعلہا نافعۃ للمسلمین ودفعۃ

لشبهہ الضالین۔ آمین۔

خادم العلماء فقیر غلام محمد ہوشیار پوری عفی اللہ عنہ

کتبہ اشتقاق احمد خان عفی عنہ ساکن شہر میٹھ تلمیذ جناب شیخ محمد حسین صاحب

٢٨٢

DUE DATE

٢٩٤٥٢٥

٢٣/٤٢

٢٩٤٥٢٥ ٢٣٤٢ ٢٨٢ ت

٢٩٤٥٢٥ ٢٣٤٢ ٢٨٢ ت

تبشیر الاصفیاء باتبات حیاة الربیة
Date No. Date No.